



مناجاتی که یکی از ارمغان‌های آل محمد (ص) است

مناجات شعبانیه از شیواترین دعاها و عرفانی‌ترین مکاشفات نعمات اخروی است که تنها اولیای الهی می‌توانند به این کشف و شهود نائل شوند.

مناجات شعبانیه از شیواترین دعاها و عرفانی‌ترین مکاشفات نعمات اخروی است که تنها اولیای الهی می‌توانند به این کشف و شهود نائل شوند.

به گزارش خبرنگار مهر، بیشتر مردم قدر نعمت مناجات را نمی‌دانند. مناجات شامل معارف بالایی است که بجز اهلش که همان اولیای خدا هستند و از طریق کشف و شهود به آن رسیده‌اند، کسی از آن آگاهی ندارد. و رسیدن به این معارف از راه مکاشفه از بهترین نعمت‌های آخرت است که قابل مقایسه با هیچکدام از نعمت‌های دنیا نیست. امام صادق (ع) در این فرمایش، ارزش این نعمت را این‌گونه بیان می‌کنند: «اگر مردم برتری شناخت خدا بر سایر نعمت‌ها را می‌دانستند، به زیبایی‌های زندگی دنیا که در اختیار دشمنان ما گذاشته شده، چشم نمی‌دوختند؛ در نعمت شناخت خدا قرار گرفته و مانند لذت کسی که همیشه در بهترین جاهای بهشت با دوستان خدا بسر می‌برد، از آن لذت می‌بردند».

مناجات شعبانیه نیز یکی از آن نعمات الهی بوده که بسیار معروف است و اهلش بخاطر آن با ماه شعبان مأنوس شده و به همین جهت منتظر و مشتاق این ماه هستند.

در باب جایگاه مناجات شعبانیه سخنان بسیاری بیان شده است. آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی صاحب کتاب المراقبات در باب مناجات شعبانیه مطالبی بیان کرده است که در ادامه می‌خوانید:

این مناجات شامل مطالب اساسی در مورد چگونگی معامله بندگان با خدای بزرگ بوده و آداب خواستن، دعا و طلب آمرزش از او را، آنگونه که شایسته است، بیان می‌کند و استدلال‌های جالب توجهی جهت امیدوار شدن به درگاه خدا که با مناجات با او مناسب است در بر دارد. و به روشنی، ملاقات، نزدیکی و دیدن خدا را معنی می‌کند و به این ترتیب شبهه‌های سالک، شک‌های منکر و وحشت اهل شک را برطرف می‌کند. و نیز اشاره‌ای به شناخت نفس و اینکه شناخت آن باعث شناخت پروردگار است دارد بنابر تفسیر بعضی از فرازهای آن توسط یکی از بزرگان اهل معرفت.

تمام کلام اینکه این مناجات، از اعمال مهم این ماه است؛ و نه تنها ماه، که سالک نباید بعضی از فرازهای آن را در طول سال ترک کند و در قنوت‌ها و سایر حال‌های عالی خود، خیلی با آن مناجات نماید و وقتی که می‌گوید: و اءبر اءبصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک، حتی تخرق اءبصار القلوب حجب النور، فتصل الی معدن العظمه، و تصیر اءرواحنا معلقه بعز قدسک؛ و دیدگان قلب‌های ما را با نور نگاه آن به حضرتت روشن بفرما تا آنگاه که چشم‌های دل‌پرده‌ها و مانع‌های نوری را پاره کرده و به معدن بزرگی برسد و روح‌های ما به عزت پاکیت وصل شود. از گفته خود غافل نباشد. و تأمل کند، آیا قلب او چشم دیدن نور را دارد؟ پرده‌های نوری چیست؟ و معدن بزرگی که در پوشش پرده‌های نوری می‌باشد، کدام است؟ تا بداند چه می‌گوید و از پروردگارش چه می‌خواهد. چون کسی که نمی‌داند از خدا چه می‌خواهد نمی‌توان گفت: فلان چیز را خواسته؛ بلکه باید گفت الفاظی را به زبان آورده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسی که وقتی او را بخوانند، به داد بیچاره رسیده و گرفتاری او را برطرف می‌کند.» و می‌فرماید: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» نیز می‌فرماید: «از فضل خدا بخواهید، زیرا خدا با شما مهربان است.» و نمی‌فرماید: الفاظ را بزبان آورید.

بهر حال این مناجات بزرگی است و یکی از ارمغان‌های آل محمد (ص) می‌باشد که بزرگی آن را کسی که قلب سالم و گوش شنوایی داشته باشد، درک می‌کند. و اهل غفلت از درک فواید و نورهای آن بی‌بهره‌اند.

لازم به است از شاخصه‌های مهم مناجات شعبانیه ذکر صلوات بر محمد و آل‌الله؛ محمد پیش از دعا، درخواست از خداوند برای شنیدن و توجه به دعا، گریز از غیر خدا و پناه به خدا، تضرع، زاری و اظهار نیاز به پیشگاه پروردگار و امید به لطف الهی است.

برخی در شرح این دعا و اینکه چرا این مناجات با بسم الله الرحمن الرحیم شروع نشده و با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌آغاز شده سه پیام را عنوان می‌کنند که قابل توجه است.

نخست اینکه تذکر به این دارد که هیچ‌گاه ولی نعمت جهان هستی را از یاد نبریم؛ چرا که تمام خیر در عالم هستی به یمن وجود

آنها بوده است؛ چنانچه در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلُهُ وَ قَرَعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَاوِيَهُ وَ مُنْتَهَاهُ؛ هرجا که نامی از خیر و نیکی باشد، شما اولی خیر و ریشه آن و فرع آن و معدن آن و مبدأ و منتهای آن می باشید. مناجات شعبانیه نیز یکی از خیرات بزرگ جهان هستی است که به برکت این خاندان پاک به دست ما رسیده است.

متن مناجات شعبانیه به شرح ذیل است:

به گفته ابن خالویه این مناجات را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امامان پس از او در ماه شعبان می خواندند.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ أَقِيلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَاوَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَعْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ تَوَائِي وَ تَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي وَ تَخْبُرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ صَمِيرِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلِبِي وَ مَتَوَايَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِيَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَ أَنْفَوَهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَ أَرْجُوهُ لِإِعَاقِبَتِي وَ قَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِيَّتِي إِلَى آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَتِي وَ بَيْدِكَ لَا يَبِيدُ غَيْرُكَ زِيَادَتِي وَ تَقْصِي وَ تَفْعِي وَ ضَرِي إِلَهِي إِنَّ حَرَمَتِي قَمَنَ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي وَ إِنَّ خَدَلْتَنِي قَمَنَ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي.»

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و شنوای دعایم باش آنگاه که می خوانمت، و صدایم را بشنو گاهی که صدایت می کنم، و به من توجه کن هنگامی که با تو مناجات می نمایم، همانا به سوی تو گریختم، و در حال درماندگی و زاری در برابرت ایستادم، پاداشی را که نزد توست امیدوارم، آنچه را که در درون دارم می دانی، بر حاجتم خبر داری، نهانم را می شناسی، کار بازگشت به آخرت و خانه ابدی ام بر تو پوشیده نیست، و آنچه که می خواهم به زبان آرم، و خواهش خویش را بازگو کنم و هم آنچه را که برای عاقبتم امید دارم، بر تو پنهان نیست، همانا آنچه تقدیر نموده ای بر من ای آفای من در آنچه که تا پایان عمر بر من فرود می آید از نهان و آشکارم جاری شده است، و تنها به دست توست نه به دست غیر تو فزونی و کاستی ام و سود و زیانم، خدایا! اگر محروم کنی پس کیست آن که به من روزی دهد؟ و اگر خوارم &rlm؛سازی پس &rlm؛ کیست آن که به من یاری رساند.

«إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَ خُلُولِ سَخَطِكَ إِلَهِي إِنَّ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعْيِكَ إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ قَدْ أَطْلَعَهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتُ [فَفَعَلْتُ &rlm؛] مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ إِلَهِي إِنَّ عَفْوَتَ قَمَنَ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ وَ إِنَّ كَانُ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُدْنِنِي [يَدُنْ &rlm؛] مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتَ الْإِفْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَ سَيَّلْتَنِي إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَيَّ نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنَّ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بِرُكَّ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرُكَّ عَيْتِي فِي مَمَاتِي إِلَهِي كَيْفَ آتَسُّ مِنْ حُسْنِ تَطَرُّكِ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَ أَنْتَ لَمْ تُؤَلِّبْنِي [تُولِينِي &rlm؛] إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي.»

خدایا! به تو پناه می آورم از خشم و از فرود آمدن غضبت. خدایا! اگر شایسته &rlm؛ رحمت نیستی، تو سزاواری که بر من با فراوانی فضیلت بخشش نمایی، خدایا! گویی من با همه هستی ام در برابرت ایستاده ام، درحالی که حسن اعتمادم بر تو، بر وجودم سایه افکنده است، و آنچه را تو شایسته آنی بر من جاری کرده &rlm؛ ای &rlm؛ و مرا با عفو تو پوشانده ای، خدایا! اگر گذشت کنی، چه کسی از تو سزاوارتر به آن است؟ و اگر مرگم نزدیک شده &rlm؛ باشد و معلم مرا به تو نزدیک نکرده، اعترافم را به گناه وسیله خویش به بارگاہت قرار دادم. خدایا بر نفسم در فرمانبری از آن گناه بار کردم، پس وای بر او اگر او را پامرزی، خدایا نیکی ات بر من در روزهای زندگی ام پیوسته بود، پس نیکی خویش را در هنگام مرگم از من قطع مکن. خدایا چگونه از حسن توجهت پس از مرگم &rlm؛ ناامید شوم؟، درحالی که در طول زندگی ام مرا جز به نیکی سرپرستی نکردی.

«إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذِيبٍ قَدْ عَمَرَهُ جَهْلُهُ إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ آتَا حَوْجُ إِلَى سَتْرَهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَى [إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ &rlm؛] إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ زُؤُسَ الْأَشْهَادِ إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي وَ عَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي إِلَهِي قَسْرَتِي يَلْقَاكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ إِلَهِي اعْتِدَارِي إِلَيْكَ اعْتِدَارٌ مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ قَبُولِ عُدْرِهِ قَاقِبِلْ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَدَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ.»

خدا کارم را چنان که سزاوار آنی بر عهده &rlm؛ گیر، خدایا به سوی من با فضیلت بازگرد، به سوی گناهکاری که جهلش سراپایش را پوشانده، خدایا گناهی را در دنیا بر من پوشانیدی، که بر پوشاندن آن در آخرت محتاج &rlm؛ ترم، گناهم را در دنیا برای هیچیک از بندگان شایسته ات آشکار نکردی، پس مرا در قیامت در برابر دیدگان مردم رسوا مکن، خدایا جود تو آرزوم را گسترده ساخت، و عفو تو از عمل من برتری گرفت. بار خدایا، روزی که در آن میان بندگان حکم می کنی، مرا به دیدارت خوشحال کن. خدایا عذرخواهی من از پیشگاهت عذرخواهی کسی است که از پذیرفتن عذرش بی نیاز نگشته، پس عذر &rlm؛ را بپذیر ای کریم ترین کسی که بدکاران از او پوزش خواستند.

«إِلَهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَ لَا تُحَيِّبْ طَمَعِي وَ لَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَ أَمَلِي إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَائِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ قَصِيحَتِي لَمْ

تُعَافِيهِ إِلَهِي مَا أَطُّنَكَ تَرُدِّي فِي حَاجِهِ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَزِيدُ وَ لَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي يَجْزِمِي أَخَذْتِكَ يَعْفُوكَ وَ إِنْ أَخَذْتَنِي يَذْنُوبِي أَخَذْتِكَ يَمَغْفِرْتِكَ وَ إِنْ أَدَخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَيُّ أَحَبَّكَ إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغَرَ فِي جَنبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنبِ رَجَائِكَ أَمَلِي إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلِبَ مِنْ عِنْدِكَ يَالْخَبِيَهَ مَحْرُومًا وَ قَدْ كَانَ حُسْنُ طَيِّبِي يَجُودُكَ أَنْ تَغْلِبَنِي يَالنَّجَاهَ مَحْرُومًا إِلَهِي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شِرِّهِ السَّهْوِ عَنكَ وَ أَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرِهِ التَّبَاعِدِ مِنْكَ إِلَهِي قَلَمٌ أَسْتَيْفِظُ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَ رُغُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ.»

خدایا، حاجتم را برمگردان، و طعمم را قرین نومیدی مساز، و امید و آرزویم را از خود مبر. خدایا، اگر خواری ام را می خواستی، هدایتم نمی نمودی، و اگر رسوایی ام را خواسته‌ای؛ بودی عافیتم نمی بخشیدی، خدایا، این گمان را به تو ندارم که مرا در حاجتی که عمرم را در طلبش سپری کرده ام، از درگاهت بازگردانی. خدایا تو را سپاس، سیاسی ابدی و جاودانه، همیشگی و بی پایان، سیاسی که افزون شود و نابود نگردد، آنگونه که پسندی و خشنود گردی، خدایا اگر مرا بر جرمم؛ بگیری، من نیز تو را به عفو بگیرم، و اگر به گناهانم بگیری، جز به آمرزشت ننگرم، و اگر مرا وارد دوزخ کنی، به اهل آن آگاهی دهم که تو را دوست دارم. خدایا اگر معلم در برابر طاعتت کوچک بوده، همانا از سر امید به تو آرزویم بزرگ است. خدایا چگونه از بارگاہت با نومیدی و محرومیت بازگردم، درحالی که خوش‌گمانی؛ به بخشش وجودت این بوده که مرا نجات؛ یافته و بخشیده باز می گردانی، خدایا عمرم را در آزمندی غفلت از تو نابود ساختم، و جوانی ام را در مستی دوری از تو پیر نمودم. خدایا در روزگار غرور نسبت به تو، بیدار نشدم و گاه تمایلم؛ به سوی خشم تو آگاه نگشتم.

«إِلَهِي وَ أَتَا عَبْدَكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ إِلَهِي أَتَا عَبْدًا أَتَّصَلَ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أُوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ قَلْبِهِ اسْتِحْيَائِي مِنْ تَطَرُّكِ وَ أَسْأَلُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتُ لِكَرَمِكَ إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَتَّقِلَ بِهِ عَن مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتِ أَبْقَطْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ وَ كَمَا أَرَدْتُ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ يَادَخَالِي فِي كَرَمِكَ وَ لِيَطْهِيرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْعَقْلَةِ عَنكَ إِلَهِي انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ تَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ يَمْعُوتِيكَ قَاطِعَكَ يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَن الْمُعْتَرِّ بِهِ وَ يَا جَوَادًا لَا يَخْلُ عَمَّنْ رَجَا تَوَابَهُ إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُذِيهِ مِنْكَ شَوْقَهُ وَ لِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقَهُ وَ نَظْرًا يُقَرَّبُهُ مِنْكَ حَقَّهُ إِلَهِي إِنْ مَن تَعَرَّفَ بِكَ عَيْرٌ مَجْهُولٌ وَ مَن لَادَ بِكَ عَيْرٌ مَخْذُولٌ وَ مَن أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ عَيْرٌ مَمْلُوكٌ [مَمْلُوكٌ].»

خدایا و من بنده تو و فرزند بنده توأم، در برابرت ایستاده ام، به کرمت به حضرت تو متوسلّم. خدایا، بنه ای هستم، که به درگاهت از آنچه که با آن با تو روبرو بوده ام از کمی حیایم از مراقبت نسبت به من بیزاری می جویم و از تو درخواست گذشت می کنم، زیرا گذشت صفتی درخور کرم توست. خدایا برایم نیرویی نیست که خود را بوسیله آن از عرصه نافرمانی؛ برم، مگر آنگاه که به محبتت بیدارم سازی، و آنچه‌ای که خواستی باشم، پس تو را شکر گذارم، برای اینکه در آستان کرمت واردم کردی، و هم اینکه دلم را از آلایه های غفلت از حضرتت پاک نمودی. خدایا بر من نظر کن، نظر به کسی که صدایش؛ کردی و تو را اجابت کرد، و به یاری ات به کارش گماشتی و او از تو اطاعت کرد، ای نزدیکی که از فریفتگان دور نمی شود، و ای سخاوتمندی؛ که از امید بستگان به پاداشش دریغ نمی ورزد. خدایا، قلبی به من عنایت کن، که اشتیاقش او را به تو نزدیک کند، و زبانی که صدقش به جانب تو بالا برده شود؛ و نگاهی که حق بودن او را به تو نزدیک نماید، خدایا، کسی که به تو شناخته شد، ناشناخته نیست، و آن که به تو پناهنده شد خوار نیست، و هرکه را تو به او روی آوری برده نیست.

«إِلَهِي إِنْ مَن انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنْبِرٍ وَ إِنْ مَن اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ وَ قَدْ لُدْتُ بِكَ يَا إِلَهِي فَلَا تُحَيِّبْ طَيِّبِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُخْجِنِي عَن رَأْفَتِكَ إِلَهِي أَقْمِنِي فِي أَهْلِ وَلايَتِكَ مَقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ إِلَهِي وَ أَلْهَمْنِي وَلَهَا يَذْكُرُكَ إِلَى ذِكْرِكَ وَ هَمَّتِي فِي رُوحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ إِلَهِي بِكَ عَلَيَّكَ إِلَّا أَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ الْمَثُوبِ الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَ لَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا إِلَهِي أَتَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ المُذْتَبِّ وَ مَمْلُوكُكَ المُتَنِيبُ [المُعِيبُ]؛ فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَحْهَكَ وَ حَبَبَهُ سَهْوَةً عَن عَفْوِكَ إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الاِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَيْزُ أُنْصَارِ فُلُوبِنَا يَضِيَاءَ تَطْرَهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ أُنْصَارَ الفُلُوبِ حُجْبَ الثَّوْرِ قَتَّصَلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعْلَقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ إِلَهِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحِظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَتَاجِبْتَهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا.»

خدایا، آن که به تو راه جوید راهش روشن است، و آن که به تو پناه جوید در پناه توست، و من به تو پناه آوردم ای خدای من، پس گمانم را از رحمت نامید مساز، و از مهربانی ات محرومم مکن، خدایا، در میان هل ولایت برنشانم، نشانند آن که به افزون شدن محبتت امید بسته، خدایا، شیفتگی به ذکرت را پیوسته به من الهام فرما، و همتم را در نسیم کامیابی نام هایت و جایگاه قدرست قرار ده. خدایا به حق خودت؛ بر خودت، مرا به جایگاه اهل طاعتت، و جایگاه شایسته بر ساخته از خشنودی ات برسان، زیرا که من نه بر دفعی از خود قدرت دارم، و نه بر نفع خویش مالک هستم.

خدایا، من بنده ناتوان گنهگار توأم، و مملوک توبه؛ کننده به پیشگاهت، مرا از کسانی که رؤیت را از آنان برگرداندی قرار مده، و نه از کسانی که غفلتشان از بخشش محرومشان نموده. خدای کمال جدایی از مخلوقات را، برای رسین کامل به خودت به من ارزانی کن، و دیدگان دل هایمان را به پرتو نگاه به سوی خویش روشن کن، تا دیدگان دل پرده؛ نور را دریده و

به سرچشمه عظمت دست یابد، و جان هایمان آویخته به شگوه قدست¹; گردد، خدایا مرا از کسانى قرار ده که آوازشان دادی، پس پاسخت دادند، به آن ها توجه فرمودی، پس در برابر بزرگی ات مدهوش شدند، و با آنان راز پنهان گفتی و آنان آشکارا برای تو کار کردند.

«إلهی لمْ أَسْطِطْ عَلَى حُسْنِ طَيِّبِ فُئُوطِ الْإِيَّاسِ وَ لَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ إلهی إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ قَاصِحَ عَيْيِ يَحْسُنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ إلهی إِنْ حَطَّتْنِي الدُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ تَبَهَّيْتُ الْبَقِيْنَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ إلهی إِنْ أَتَمَّتْنِي الْعَفْلَةُ عَنِ الْاسْتِعْدَادِ لِلْقَائِكَ فَقَدْ تَبَهَّيْتُ الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ أَلَايِكَ إلهی إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمِ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلِ ثَوَابِكَ إلهی فَلَكَ أَسْأَلُ وَ إِلَيْكَ أُنْتَهِلُ وَ أَرْعَبُ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَ لَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَ لَا يَعْفُلُ عَنِ شُكْرِكَ وَ لَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ إلهی وَ أَلْحِقْنِي بِثُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفاً وَ عَنِ سِوَاكَ مُنْحَرِفاً وَ مِنْكَ خَائِفاً مُرَاقِبا يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا.»

خدایا بر خوش بینی ام ناامیدی و یأس را چیره نسازم، و امیدم از زیبایی کرمت نبرد. خدایا گر خطاهایم مرا از نظرت انداخته، به خاطر حسن اعتمادم بر تو از من چشم²; پوشی کن. خدایا، اگر گناهان از جایگاه مکارم لطفت مرا پایین آورده، اما یقین به کرم عنایتت هشیارم³; نموده. خدایا اگر غفلت از آماده شدن برای دیدارت به خواهم فرو برده، ولی معرفت به نعمت های کریمانه ات مرا بیدار ساخته است. خدایا اگر بزرگی مجازات مرا به سوی آتش فرا خوانده، هرآینه ثواب برجسته ات مرا به سوی بهشت خوانده است، خدایا از تو درخواست می کنم، و به پیشگاهت زاری نموده، و رغبت می ورزم، و از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا از کسانى قرار دهی که ذکرت را همواره بر زبان دارند، و پیمانت را نمی⁴; شکنند، و از سپاست غافل نمی شوند، و فرمانت را سبک⁵; نمی شمارند، خدایا مرا به نور عزت بسیار زیبایت برسان تا عارف به وجودت گردم، و از غیر تو روی⁶; گردان شود، و از تو هراسان⁷; و برحذر باشم، ای دارای بزرگی و بزرگواری، و درود خدا و سلام بسیار او بر محمد فرستاده اش، و بر خاندان پاکش باد.